



آیت اربعین ۲

زیارت الاربعین؛ کنکاشی در ابعاد روایی و تاریخی آن
(کتابچه دوم)

موسسه مطالعات راهبردی و فرهنگی اصحاب الحسین ع

ستاد معرفتی و علمی اربعینی

۱۴۰۱

برگرفته از کتاب آیت اربعین

سعید اصفهانیان





تقدیم به:

این پژوهش را بسان ران ملخی ناقابل، از کمتر از مور، به پیشگاه برتر از سلیمان علیه السلام تقدیم می‌کنم؛

- به او که حقیقت بهشت است تقدیم می‌کنم؛ به مادر امت، صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام! همو که با حضورش، فهم رایحه بهشت را در سرزمین دنیا میسر ساخت و بر مدار معرفتش، قرون اولی آباد گردید. همو که بهشت‌سازان امام را حجت بود و نقشه راه مطلع الفجر را نگهبان!

- و به او که چراغ عظیم هدایت است و سفینه نجات، تقدیم می‌کنم؛ به سالار شهیدان، امام احرار، حسین بن علی علیه السلام! به او که مربی بزرگ عالم است و مُصلِح امت، و نجات‌بندگان از جهالت و حیرتِ ضلالت، عَوْضی بر خون پاک قلب او است!

- و به او تقدیم می‌کنم، به منتظر همه خوبان از آدم علیه السلام تا خاتم صلوات الله علیه؛ به مهدی علیه السلام امت‌ها و جامع کلمات خدای متعال! به او که عزم رسولان، حکومت آرمانی‌اش را نشانه رفته بود و سید رسولان نیز، ماموریت نورانی خود و عترت را، غلبه بر ادیان و تحقق حکومت حق در سرزمین ظهور معرفی فرمود!

پروردگارا این ناقابل از ما بپذیر!



چکیده:

«زیارت اربعینیه» تعبیر شایع و مصطلحی است که امروزه در جامعه غیر ایرانی، نسبت به پیاده‌روی عبادی-سیاسی ایام اربعین از مسیرهای نجف، حله، بصره و... به سوی کربلای معلی صورت می‌پذیرد، اگرچه در نگاه اولیه و عمومی، این تعبیر برگرفته از گفتار امام صادق علیه السلام و امام عسکری علیه السلام نسبت به زیارت سیدالشهداء علیه السلام در ایام اربعین بوده و به‌عنوان نشانه‌ای از نشانه‌های پنج‌گانه مومنین شمرده شده است!

امروزه این زیارت، با گسترشی حیرت‌انگیز، با پیکره‌ای اجتماعی عجین شده و در قالب پیاده‌روی عظیم اربعین تجلی یافته است! مطالعه قرآنی-روایی پیرامون این «پدیده» وحدت بخش عظیم و «اثرات» آن -که در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان «بزرگترین گردهمایی عالم» نامیده شده در شرایطی که قدرت‌های جهانی، وجهه همت خویش را بر ایجاد اختلاف و نزاع بین امت مسلمان قرار داده اند، اقدامی بسیار ضروری می‌باشد.

براساس هندسه معرفتی قرآن و روایات، رکن «کشش‌های الهی»، رکنی اولین در مبانی زیارت تلقی می‌شود. بر این اساس، با آغاز جریان «نور» و «نفحه» از مبداء الهی، مسیر انسان برای «حرکت قلبی» و «حرکت جوارحی» به سوی مقصد هموار می‌گردد. و به میزان گستردگی نفحات و عمق تاثیر آن، افراد از «زیارت قلبی»، به «قرائت زیارت»، به «زیارت همراه حرکت»، به «زیارت مزار و پیکره»، و به «زیارت نور» سوق داده می‌شوند. ضمن آن‌که تاثیرات نور و نفحات، صرفاً «فردی» نبوده و گاهی نیز وجهه «اجتماعی» به خود می‌گیرد! تا در قالب آیه‌ای از آیات «إِنَّ فِي... اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ» بروزی وسیع به خود گرفته و تحولاتی شگرف و تربیت‌بخش را در پیکره اجتماعی پدید آورد. این مهم اینک برای اولین بار در خلال تاریخ، آثار مشترک و بی‌بدیل ۹ گانه‌ای را در فضای تربیت جمعی و زیارت حسینی سامان داده است.

ما در این پژوهش، با تفکیک «زیارت» از «زیارت حسینی»، «اربعین حسینی» و «زیارت الاربعین»، و با استفاده از «روایات»، «کلام اندیشمندان» و به ویژه «قرآن»، آثار فردی و اجتماعی این پدیده را همراه با مبانی آن مورد بررسی قرار خواهیم داد.

واژگان کلیدی:

زیارت، زیارت اربعین، آثار نور، نفحات قدسی، آیه الهی، تحول قلوب، زندگی قرآنی، تمدن الهی، لقاء الله.

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۱
مقدمه	۱
الف) زیارت اربعینی؛ از شعار تا شعور، از محبت تا مودت	۲
ب) بیان مساله	۳
۳. «اربعین حسینی <small>علیه السلام</small> » در رویکرد تاریخی	۷
۱-۳. قداست عدد «اربعین» (۴۰) در فرهنگ ادیان و ملل	۷
۲-۳. «اربعین حسینی» در تاریخ انگلوساکسون	۹
۳-۳. موضوع «اربعین حسینی» در تاریخ دینی	۱۰
۴. «زیارت الاربعین» در روایات اسلامی	۱۲
۱-۴. حدیث ۱: منقول از امام عسکری <small>علیه السلام</small>	۱۳
۱-۴-۱. بررسی سندی و متنی (همراه پاسخ به شبهات)	۱۴
۱-۴-۲. عبور از نگرش «عنصری» و «حداقلی» در پیکره روایی	۱۷
۲-۴. حدیث ۲: «زیارت الاربعین» منقول از امام صادق <small>علیه السلام</small>	۱۸
۱-۴-۲-۱. متن زیارت همراه با ترجمه و عناوین اولیه	۱۹
۲-۴-۲. بیان روایت؛	۲۳
۳-۴-۲. بررسی سندی	۲۴
۴-۴-۲. بررسی محتوای روایت امام صادق <small>علیه السلام</small>	۲۵
۱-۴-۲-۱. بخش اول؛ «سلام» بر امام <small>علیه السلام</small>	۲۶
۲-۴-۲-۲. بخش دوم؛ شهادت به موقعیت و جایگاه امام حسین <small>علیه السلام</small>	۲۸
۳-۴-۲-۳. بخش سوم؛ رفتارشناسی و فلسفه قیام	۳۰
۴-۴-۲-۴. بخش چهارم؛ دشمن شناسی، جهاد و لعن	۳۳
۵-۴-۲-۴. بخش پنجم تا هفتم؛ سلام، جایگاه و شخصیت امام، لعن بر دشمنان	۳۵
۶-۴-۲-۴. بخش هشتم؛ شاخص تولی و تبری در جبهه حق	۳۷
۷-۴-۲-۴. بخش نهم؛ شهادت به جایگاه نورانی، معنوی و نسبی امام و فرزندان	۳۸

- ۳۹ ۱-۴-۲-۴ بخش دهم؛ رفتارشناسی مطلوب در همراهی با امام
- ۴۰ ۵-۲-۴ خلاصه و نتایج کلی روایت امام صادق علیه السلام



مقدمه

– زیارت اربعینی؛ از شعار تا شعور، از محبت تا مودت

– بیان مساله



الف) زیارت اربعینی؛ از شعار تا شعور، از محبت تا مودت

با کنکاش در تاریخ در می‌یابیم که محبان، نظاره‌گران و مشایعت‌کنندگان ماجرای اباعبدالله علیه السلام بسیار بوده اما اهل مودت، کاروانیان و انصار حضرت پیوسته در قَلت زیسته‌اند. تاریخ پر است از کسانی که در نسبت‌های مختلف با حضرت بوده و ما نیز در یکی از همین نسبت‌ها زندگی خود را سپری خواهیم نمود. امروزه که سقوط جامعه بشری، بیش از همه تاریخ شکل گرفته است و انحطاط فرهنگی، جوامع مختلف را درنور دیده است، بیش از همیشه نیازمند نگاه به قلال و ارتفاعات حاصل از کربلا، عاشورا و اربعین هستیم. نگاه‌هایی که زایش‌های عظیم درون کاروان حسینی علیه السلام را مورد رصد و تحلیل قرار دهد و ساخت و سازهای انسانی و بشری امام علیه السلام را کاوش نماید.

تلاشی این‌چنین، کشف راهکارهای مقابله با هجمه دشمنان را نیز به ارمغان خواهد آورد؛ راهکارهایی که ما را از مرحله صرف «شعار» و «اشک»، به مرحله «شعور» و «زیستن» حسینی علیه السلام وارد نموده و این‌گونه مسیر «حب» اهل بیت علیهم السلام را به سوی «مودت» ایشان راهبری می‌نماید!

در این میان، «زیارت» که در کارکرد «حداقلی»، با ایجاد فضایی حسّی و عاطفی، پیوندهای مبتنی بر «محبت» را میان «امام» و «ماموم» تقویت می‌کند، به تدریج، فضای حس و «شور» را تبدیل به فضای «شعور» نموده و «ماموم» را در دایره «مودت» و «زیستن»ی مبتنی بر خواست امام یا همان



کارکرد «حداکثری» زیارت وارد می‌نماید. ما در این پژوهش با تمرکز بر این معنا می‌خواهیم متاثر از فضای قرآن، فضای روایات و تأمل در آثار واقع شده حسینی در این زمان، نگاهی عمیق و جدی به جریان «زیارت» و «زیارت حسینی (علیه السلام)» بیندازیم و گسترش این فضا را در قالب پیاده‌روی در «زیارت اربعینی» همراه با آثار آن - که شاخص تحولات فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی است - رصد نماییم.

(ب) بیان مساله

«زیارت اربعینیه» تعبیر شایع و مصطلحی است که امروزه در جامعه غیر ایرانی، نسبت به پیاده‌روی عبادی - سیاسی ایام اربعین از مسیرهای نجف، حله، بصره و... به سوی کربلای معلی صورت می‌پذیرد، اگرچه در نگاه اولیه و عمومی، این تعبیر تعبیری برگرفته از گفتار امامان معصوم (علیهم السلام) به‌ویژه امام صادق (علیه السلام)^۱ و امام عسکری (علیه السلام)^۲ نسبت به زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) در ایام اربعین بوده و به عنوان نشانه‌ای از نشانه‌های پنج‌گانه مومنین شمرده شده است!

۱ - محمدبن حسن طوسی (شیخ)، التهذیب، ج ۶، ص ۱۱۳؛ محمدبن حسن طوسی (شیخ)، مصباح المتهجد، ص ۷۸۸.

۲ - محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، المزار، ص ۵۳؛ محمد بن حسن طوسی (شیخ)، التهذیب، ج ۶، ص ۵۲.



امروزه این زیارت، با گسترشی حیرت‌انگیز، با پیکره‌ای اجتماعی عجین شده و در قالب پیاده‌روی عظیم اربعین تجلی یافته است! مطالعه «مبانی» قرآنی- روایی این «پدیده» وحدت بخش عظیم و «اثرات» آن - که در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی^۱ به عنوان «بزرگ‌ترین گردهمایی عالم» نامیده شده، در شرایطی که قدرت‌های جهانی، وجهه همت خویش را بر ایجاد اختلاف، نزاع بین امت مسلمان و تکه‌تکه کردن ممالک اسلامی، و به راه انداختن کشتارهای داخلی قرار داده‌اند، اقدامی بسیار ضروری می‌باشد. چرا که نگاه از زاویه قرآن و روایات، تحولات و آثار عظیمی که در جریان پیاده‌روی اربعین و در بطن جامعه توحیدی در حال وقوع است را، به شکل صحیح و بنیادین مورد توجه قرار خواهد داد. این تحولات و آثار اربعینی، متأثر از جریان جدید «نور و نفحه» توسط پروردگار متعال بوده و در قالب کلی و عینی محبت، زیارت، لقاء الله و... قابل تحلیل می‌باشد.

با تعمق در متون فوق درمی‌یابیم؛ به میزان گستردگی نفحات و عمق تاثیر آن، افراد از محبت و «زیارت قلبی»، به «قرائت زیارت»، «زیارت همراه حرکت»، «زیارت مزار و پیکره»، و «زیارت نور» و لقاء الله سوق داده می‌شوند. ضمن آنکه تاثیرات نور و نفحات، صرفاً «فردی» نبوده و گاهی نیز وجهه «اجتماعی» به خود می‌گیرد! تا در قالب آیه‌ای از آیات «إِنَّ فِي... اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ»^۲ بروزی وسیع به خود گرفته و تحولاتی شگرف و تربیت بخش را در پیکره اجتماع پدید آورد.

۱ - ۱۹/۱۰/۱۳۹۳. <http://farsi.khamenei.ir/>

۲ - آل عمران ۱۹۰؛ یونس ۶.



این جریان بی نظیر^۱، اینک برای اولین بار در خلال تاریخ، در خلال سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۶ هجری شمسی، سالیانه ظرفیتی قریب به ۳۰ میلیون انسان^۲ از ۸۰ کشور را در جاده‌های نجف کربلا(۸۸ کیلومتر فاصله)، بصره کربلا(۶۸۳ کیلومتر فاصله) و... دربرگرفته و آثار مشترک و بی بدیل ۹ گانه‌ای را در ۲ حوزه فردی و اجتماعی از پایین‌ترین تا عالی‌ترین درجات زیارت- در قالب پیاده‌روی عظیم اربعین تجلی داده است. این موضوع، محور «نظریه پردازی» در این پژوهش خواهد بود.^۳

۱- ر.ک دانشنامه آزاد ویکی پدیا ذیل مدخل «پیاده روی اربعین»: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

۲- بر اساس آمار رسمی موجود، در سال ۸۹ شاهد حضور ۴۰ هزار زائر ایرانی، سال ۹۰ شاهد حضور ۸۰ هزار زائر(۱۰۰٪افزایش)، و در سال ۹۱ شاهد حضور ۴۸۰ هزار زائر(۶۰٪افزایش) بوده ایم. همچنین در سال ۹۲ آمار زائرین ایرانی اربعین به ۸۰۲ هزار زائر(۱۶۷٪افزایش)، سال ۹۳ به یک میلیون و ۲۰۰ هزار زائر(۱۵۰٪افزایش)، سال ۹۴ به یک میلیون و ۷۰۰ هزار زائر(۱۴۲٪افزایش)، سال ۹۵ به ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار زائر(۱۳۰٪)، و سال ۹۶ به دو میلیون ۳۲۰ هزار نفر افزایش پیدا کرده است.

<http://www.farsnews.com/13950903000716>

ر.ک دانشنامه آزاد ویکی پدیا ذیل مدخل «پیاده روی اربعین»: آمار... نشان دهنده افزایش ۵۵ برابری زائران در مدت ۶ سال است که هر ساله افزایش بیش از ۱۳۰ درصدی یافته است و در سال ۹۶ بیش از ۳ میلیون زائر از ایران در این مراسم شرکت کرده اند. آمار مختلفی از همه شرکت کنندگان در گردهمایی اربعین ارائه شده است. شمار افراد وارد شده به کربلا در سال ۲۰۱۴ نزدیک به ۱۷ میلیون تن گزارش شده است. بر اساس منابع دیگر شمار راهپیمایان به سمت کربلا ۲۰ میلیون تن در این سال اعلام شده است. در سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۷) وزیر راه عراق باقر الزبیدی اعلام کرد تعداد زائران امام حسین علیه السلام تا کنون از مرز ۲۶ میلیون نفر فراتر رفته است و پیش بینی می شود تعداد آنان تا فردا به ۲۷ میلیون نفر برسد.

۳- برخی از مهم‌ترین آثار فردی این زیارت عبارت است از: «تحول قلوب»، «حس نورانی»، «احیاء زندگی»، «تقویت رابطه با ولایت و امامت»- اعم از فضای درخواست از امام، به سوی امام، عرضه به امام- و دیگر تحولات فکری و صفاتی و به تبع، عبور از فضای حداقلی «شعار حسینی» و حرکت به سوی مولفه‌های «شعور حسینی» و تعمیق آن تا «زیستن حسینی».

برخی از مهم‌ترین آثار اجتماعی این زیارت نیز عبارت اند از: «تالیف قلوب»، «اخوت»، «رحمت»، «تعاون»، تحقق «امت داعی» به خیر، آمر به معروف و ناهی از منکر و به تبع، حرکت از «حاجت‌خواهی فردی» به سوی «حاجت‌خواهی جمعی»، در راستای «منافع کلان جامعه ایمانی». همچنین همراهی با «برنامه جمعی خداوند» در راستای شکل‌گیری «ایام الله» و «امت واحده» توحیدی تا بدین صورت، «موانع» پیش رو برطرف شود و مقدمات تشکیل «تمدن الهی» واقع گردد، ان شاء الله.

۳. «اربعین حسینی علیه السلام» در رویکرد تاریخی

تعبیر «اربعین» در فرهنگ ادیان و ملل مقدس بوده و در پیوند با اتفاقات بزرگ مورد مطالعه قرار گرفته است. بحث «اربعین اباعبدالله علیه السلام» نیز در آثار فراوانی برجای مانده و حداقل از چهار جهت مضبوط و مورد تایید است؛ قرآن، کتب روایی، تاریخ مسیحی، و تاریخ انگلوساکسون‌ها! ما در ادامه به شکل مختصر، ابتدا به عدد اربعین پرداخته و سپس اربعین اباعبدالله الحسین علیه السلام را از این زاویه مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱-۳. قداست عدد «اربعین» (۴۰) در فرهنگ ادیان و ملل

از جمله منابع مربوطه، مجموعه آیات و روایات مرتبط با عدد «اربعین» است که در مصادیق مختلف مورد سخن قرار گرفته است؛ گریه چهل روزه آدم علیه السلام بر هابیل^۱، قوام تربیتی موسی علیه السلام در سفر چهل روزه به کوه طور و نافرمانی قوم وی^۲، دوران چهل ساله آزمون و تنبیه قوم موسی علیه السلام در وادی تیه^۳، قوام و پختگی انسان در سن چهل سالگی و ورود وی به شکرگزاری^۴ از جمله موضوعاتی است که در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته و بخشی از آن - همچون مثال آخر- به شکل مستقیم و یا با واسطه در موضوع اباعبدالله علیه السلام قابل مطالعه است.

در احادیث عترت علیهم السلام نیز بارها از این موضوع سخن به میان آمده است؛ بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چهل سالگی، بلوغ فکری انسان در چهل سالگی، تاکید بر حفظ چهل حدیث و ذکر تبعات قیامتی آن،

۱ - بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۳۰.

۲ - بقره، ۵۱، اعراف، ۱۴۲.

۳ - مائده، ۲۶.

۴ - احقاف، ۱۵.



پذیرش شهادت چهل مومن به خیرات مومن متوفی و غفران او توسط پروردگار، گریستن زمین در چهل صبح بر مؤمن وفات یافته و... از جمله ده‌ها روایتی است که در این زمینه اهمیت عدد چهل را مورد تاکید قرار می‌دهد.

برخی نیز با استفاده از روایت شریف پیامبر اکرم ﷺ «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَ لَهُ يَنْبِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»، همچنین تعبیر قرآنی «وَإِعْدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» به چهله‌نشینی، اعتکاف و انزوای چهل روزه که از رسم‌های سلوک صوفیانه است^۱ همت ورزیده‌اند!

یادبود اربعین فرد متوفی نیز تنها منحصر به مسلمانان نیست، بلکه غیر مسلمانان تا چهل روز بعد از وفات نزدیکان خود، به عزای آن‌ها توجه کرده و در روز چهلم، نزدیکان و دوستان و خانواده بر سر قبر حاضر شده و مراسم عزای برگزار می‌کنند. مسیحیان به همین طریق مراسم عزای چهلم وفات شخص خود را با اجتماع در کلیسا برگزار می‌کنند و این اعمال را در نیم‌سال وفات شخص و یک‌سال تمام نیز انجام می‌دهند. همچنین یهودیان، عزای شخص وفات یافته را پس از سی روز و نه ماه و یک‌سال به شکل کامل برگزار می‌کنند.^۲

۱ - بهاء‌الدین خرمشاهی، حافظ‌نامه، ج ۲، ص ۱۲۲۶.

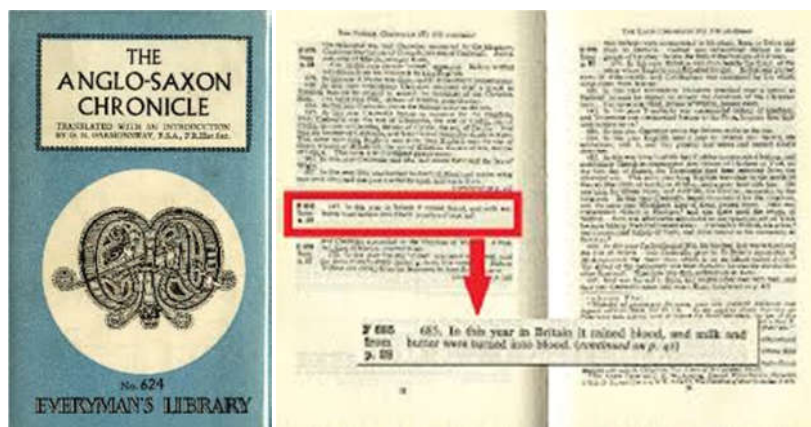
۲ - سید عبد الرزاق المقرم، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۳۶۵.



۲-۳. «اربعین حسینی» در تاریخ انگلوساکسون

موضوع حوادث طبیعت پس از شهادت امام حسین علیه السلام تا اربعین حضرت در سال ۶۱ هجری قمری، موضوعی است که در کتاب تاریخ انگلوساکسونها مورد اشاره قرار گرفته است. این کتاب، یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی باقی مانده از قرون وسطی است. این کتاب ابتدا به فرمان پادشاه آلفرد کبیر در حدود سال ۸۹۰ میلادی گردآوری شد و سپس وقایع سال‌های بعد، تا اواسط قرن دوازدهم میلادی توسط نویسندگان و مورخین مختلف بدان افزوده شد. این کتاب به عنوان کامل‌ترین سند تاریخ بریتانیا از آغاز آن، تا دوره حکمفرمایی پادشاه استفن در سال ۱۱۵۴ میلادی باشد.^۱

در این کتاب، برای هر یک از سال‌های میلادی، مهم‌ترین وقایع و رخداد‌های تاریخی در حد یک تا چند جمله ذکر شده است. در خصوص مهم‌ترین وقایع سال ۶۸۵ میلادی (۶۱ ه.ق) نیز در صفحه ۳۸ این کتاب، این جمله گزارش شده است:



منبع تاریخ انگلوساکسون در موضوع تحولات طبیعت در سال ۶۱ هجری قمری

۱ - توضیحاتی از دایره المعارف بریتانیکا در موضوع کتاب تاریخ انگلوساکسون:



در این سال در بریتانیا باران خون بارید، و شیر و لبنیات به خون تبدیل شد!^۱

"685. In this year in Britain it rained blood, and milk and butter were turned into blood."

این موضوع، مویدی بر مجموعه «روایات تاریخی» در تحولات طبیعت است^۲ که از زمان شهادت

اباعبدالله علیه السلام تا چهل روز بعد به شکلی عجیب واقع شده است!

۳-۳. موضوع «اربعین حسینی» در تاریخ دینی

چنانکه گذشت توجه به اربعین، قداست اربعین و چهله‌نشینی در موضوعات مهم، مورد توجه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر هادیان الهی قرار داشت. ضمن آن که حفظ فضای «دوره عزا» حداقل تا چهل

روز پس از یک عزا، یا «پایان» و اعلام نوعی از عزا در اربعین نیز، در ادیان پیشین و در امت اسلامی

رایج بود. و البته ماجرای امام حسین علیه السلام از این قاعده مستثنی نبود. این نوع از نگاه به اربعین

حسینی علیه السلام، به حسب تحولات طبیعت که از زمان شهادت اباعبدالله علیه السلام تا چهل روز بعد به شکلی

عجیب واقع شد نیز، مورد تقویت قرار گرفت^۳؛

۱ - لینک آنلاین صفحه مورد نظر در کتاب تاریخ آنگلوساکسون:

<http://www.britannia.com/history/docs/676-99.htm>

۲ - مقاله ای نیز در این زمینه به زبان انگلیسی توسط Hj Hala and Hj Zaynab El-Fatah نوشته شده است:

<http://www.victorynewsmagazine.com/AngloSaxonChroniclesLadyZaynabbintAliA.htm>

۳ - سید محمد علی قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء، ص ۲۰۹.



تغییرات فضای خورشید و سرخ بودن پیوسته آن، خونین بودن بخش‌هایی از زمین در هنگام برداشتن قطعات سنگ از زمین، گریستن آسمان‌ها و زمین^۱، خون باریدن آسمان^۲، بکاء ملائک و اهل آسمان^۳، عزاداری طوایف جن^۴، حزن و اندوه و گریه حیوانات^۵، گریه پرندگان^۶، تالم و تأثر و گریه نباتات^۷، تالم و تأثر و گریه جمادات^۸ و... از جمله این موارد بود. این روایات، شکل دهنده تواتری معنایی در موضوع مذکور می‌باشد!

همچنین بر اساس نقل‌های تاریخی، در اربعین اول سالار شهیدان در سال ۶۱ هجری، جناب جابر که از بزرگان صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، با حضور بر مزار امام حسین علیه السلام و انجام زیارت در اربعین، به مباحث^۳ گانه پیش‌گفته دامن زد. وی در فرات غسل کرد، در حالی که می‌گریست به سوی قتلگاه حضرت راهی شد، کلماتی عاشقانه را نسبت به ایشان مطرح کرد^۹، زیارتی با مضمون زیارت رجبیه - که زیارت معروفی است اما متنی روایی، قبل از صدور زیارت الاربعین از جانب معصوم است - را بر زبان جاری نمود و بیهوش بر زمین افتاد!

۱ - سید محمد حسن میرجهانی طباطبایی، البکاء للحسین علیه السلام، باب پنجم، ص ۱۷۳-۱۹۰.

۲ - همان، باب ششم، ص ۱۹۱-۲۰۵.

۳ - همان، باب هفتم، ص ۲۰۷-۲۵۸.

۴ - همان، باب نهم، ص ۲۹۸-۳۰۰.

۵ - همان، باب دهم، ص ۳۰۵-۳۱۰.

۶ - همان، باب یازدهم، ص ۳۱۳-۳۲۱.

۷ - همان، باب دوازدهم، ص ۳۲۱-۳۲۶.

۸ - همان، باب سیزدهم، ص ۳۲۷-۳۳۰.

۹ - عماد الدین طبری، بشارة المصطفی، ص ۷۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۰ و ج ۹۸، ص ۱۹۵.



مبتنی بر نقل‌های تاریخی - از جمله مرحوم علامه مجلسی و سیدبن طاووس - چهل نفر از اهل بیت امام حسین علیه السلام همراه با دیگر کاروانیان اسیر، افزون بر جناب جابر، در روز اربعین به مزار حضرت رسیده و ضمن الحاق سرهای شهدا به اجساد مطهرشان به دست علی بن الحسین علیه السلام در تقویت فضای اربعینی نقش آفرینی نمودند.^۳

پس از ایشان نیز، توجه به اربعین حضرت توسط افراد مختلف، با روش‌هایی فردی در قبال ماجرای حسینی دنبال و در فضایی نسبی در جامعه اسلامی شایع گردید تا آن‌که امام صادق علیه السلام در زمان خود، فضایی جدید را باز نمود و شیوه‌ای معرفتی و گفتاری نسبت به زیارت اربعین مطرح فرمود. معنای این حرکت جدید آن بود که از این پس، این متن مورد نیاز است و «برنامه زیارت اربعینی» می‌بایست مدنظر قرار گیرد! این فضا پس از آن مورد تاکید ائمه معصومین علیهم السلام - از جمله امام عسکری علیه السلام - قرار گرفت.

۴. «زیارت اربعین» در روایات اسلامی

در میان روایات مرتبط با بحث اربعین امام حسین علیه السلام، دو «روایت معرفتی» به شکل تصریحی، بحث زیارت اربعین را در پیوند «ایمان و عمل» با اباعبدالله علیه السلام مورد مطالعه قرار می‌دهد؛

- روایت مشهور امام حسن عسکری علیه السلام در حوزه «علائم پنج گانه ایمان»

- متن ماثور «زیارت اربعین» از امام صادق علیه السلام

۱ - ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیه، ص ۳۳۱ (به نقل از مقتل جامع سیدالشهداء علیه السلام).
۲ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴.
۳ - سیدبن طاووس، لهوف، ص ۱۹۴ و ۲۲۵؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۶.



۴-۱. حدیث ۱: منقول از امام عسکری علیه السلام

در مبحث «زیارت اربعین»، یکی از متون مورد عنایت، روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام است، که به نوعی جایگاه زیارت اربعین را در منظومه معارف دینی و عملی انسان روشن می‌کند و مدلی از زندگی آسمانی در دنیا^۱ را در معرض ما قرار می‌دهد؛ امام حسن عسکری علیه السلام نقاطی از این مدل زندگی حسینی را روشن کرده و چنین می‌فرماید:

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُمُ بِالْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ
وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۲.

مومن پنج علامت دارد. علاماتش چیست؟ جالب آن‌که علامات حوزه ایمان محض را پیش فرض گرفته، از معرفی آن صرفاً در حوزه ایمان محض -ایمان به الله، ایمان به انبیاء، ایمان به آخرت...- پرهیز کرده و بلکه علامات شخص مومن را در پیوند با عمل صالح مورد سخن قرار می‌دهند. گویی بر این باورند که ورود صحیح به حوزه ایمان، موجب بروز پنج شاخصه فوق در مقام کردار و رفتار خواهد بود.

۱ - بر این اساس، ستون اول از مدل زندگی اسلامی، تمرکز بر نماز و ستون بعدی تمرکز بر زیارت اربعینی است.
۲ - نشانه های مؤمن پنج چیز است: نمازهای پنجاه و یک گانه (منظور نمازهای روزانه و نوافل آنهاست که ۵۱ رکعت می شود) و زیارت اربعین و انگشتر به دست راست کردن و بر خاک سجده کردن و بسم الله الرحمن الرحيم را آشکار و بلند گفتن.
محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (شیخ مفید)، المزار، ص ۵۳؛ محمد بن حسن طوسی (شیخ)، مصباح المتعجل، ص ۷۸۷؛ محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضةالواعظین، ج ۱، ص ۱۹۵؛ سید بن طاووس، الإقبال، ص ۵۸؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۳۷؛ محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۸۲، ص ۷؛ ج ۹۵، ص ۳۴؛ ج ۹۸، ص ۳۲.



با تامل در فضای زمانی صدور حدیث، محتمل می‌یابیم که این زیارت در آن دوران نیز، از نشانه‌های شیعیان به شمار می‌آمده است. از این رو در روایت نقل شده از امام عسکری(ع)، به‌عنوان نشانه مومن دانسته شده و توضیح و توصیه‌ای فراتر نسبت بدان نشده است.

همچنین می‌توان گفت پنج نشانه یاد شده در روایت، اموری دارای صورت و ظاهر بوده‌اند که شیعه به‌خاطر پابندی به آن‌ها، از دیگر نحله‌ها تشخیص داده شده و بدان، هویت و تشخیص یافته است. از این رو امام عسکری(ع) برای حفظ انسجام هویتی شیعیان، آن‌ها را از نشانه‌های مومن شمرده‌اند تا ایشان در مقابل فشارهای فرهنگی، مقاومت کنند و بر آن‌ها پایدار بمانند و این گونه بود که شیعیان در صدد بودند تا سنت زیارت اربعین را حفظ کنند^۱.

۴-۱-۱. بررسی سندی و متنی (همراه پاسخ به شبهات)

۱ - پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه، حدیث نت؛

<http://www.hadith.net/PrintSourceText.aspx?n=5615&e=46664&p=1>



برخی از محققین در بحث اسنادی روایت گفته‌اند که شیخ مفید - که کتاب او منبع نقل اصلی روایت مزبور است - سند روایت را نقل نکرده است، لذا روایت مزبور قابل اعتماد نمی‌باشد. یعنی نقل شیخ مفید و شیخ طوسی، همچنین اعتناء هزار ساله محققین و عالمان را بی‌اعتنایی کرده و عملاً روایات مکمل زیارت اربعین را به کناری نهاده‌اند. برخی نیز موضوع تشّت متن را در تعدادی از نسخ این روایت مطرح کرده و تعبیر «صلاة الخمسين»^۱ را مُخَلّ صحتِ متن دانسته‌اند زیرا مجموع صلاة واجب و نوافل، پنج و یک رکعت است و نه پنجاه رکعت!^۲

پاسخ آن‌که اولاً اگرچه روایت مزبور مرسل است، اما تعیین صحت روایات، هیچ‌گاه متوقف به بررسی اسنادی آن نبوده و نقص در اسناد، تنها مشخص‌کننده اخلال اولیه در روند صدور حدیث می‌باشد. و البته این موضوع با توجه به اعتناء ثقات از گذشتگان، با توجه به منابع اولیه روایت، و با توجه به نزدیک بودن به عصر صدور حدیث قابل بررسی و بازبینی می‌باشد.

۱ - محمد بن حسن طوسی (شیخ)، التهذیب، ج ۶، ص ۵۲؛ محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۱۰۶؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

۲ - رک بحث مطرح شده در این فضا: <http://5aalaba.blogfa.com/post/18>



طبق آثار موجود، این روایت برای اولین بار در کتاب «المزار الكبير» شیخ مفید (م ۴۱۳ ه.ق)، سپس توسط سید^۱ رضی (م ۴۰۶ ه.ق) و توسط شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه.ق) در «التهذیب» و «مصباح المتعجد» ارائه شده است. پس از آن نیز در «روضه الواعظین» محمد بن حسن فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ه.ق)، «الإقبال» سید بن طاووس (م ۶۶۴ ه.ق)، «عوالی الآلی» ابن ابی جمهور احسائی (م اوایل قرن ۱۰ ه.ق)، «وسائل الشیعه» شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ه.ق)، «بحار الأنوار» علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ ه.ق) و... ذکر شده است.

بنابراین فاصله نقل این روایت تا عصر صدور حدیث و زمان معصوم^{علیه السلام}، بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال می باشد و اعتناء کبار عالمان و نقل ایشان، به ویژه رویه شیخ مفید، سید رضی و شیخ طوسی در عدم نقل روایات بدون سند از مشایخ خود^۲، ما را از صدور آن مطمئن می سازد. بر این اساس، روایت امام عسکری^{علیه السلام} از این حیث برای ما قابل اعتناء می باشد.

ثانیا: در روایت مشابه نقل شده، تعبیر «صلاه الاحدی و الخمسین» مذکور است! بر این اساس، ادعای تشبث متن، ناصحیح بوده و متن مزبور علاوه بر غنای لازم، از وزانت ادبی نیز برخوردار می باشد. ضمن آن که مفاهیم مطرح در آن، با منظومه روایات عترت نیز همخوان^۳ است!

ثالثا: تعبیر «صلاه الخمسین» در برخی متون، اگرچه که ظاهرا از دقت واژگان برخوردار نیست، لیکن از همراهی با سجع سایر تعابیر مطروحه برخوردار بوده و در فضای کلی، مُشعر به مجموع رکعات واجب و نوافل می باشد.

۱ - به نقل از محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۹.

۲ - سید محمد علی قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء، ص ۴۰۳.

۳ - همان، ص ۲۱۱.



۴-۱-۲. عبور از نگرش «عنصری» و «حداقلی» در پیکره روایی

در خلال هزار و اندی سال گذشته عمدتاً فهمی «عنصری» و «حداقلی» و نه مبتنی بر فهم یک نقشه و یک پیکره- نسبت به روایات مختلف عترت از جمله این روایت وجود داشته است. فهم «عنصری» آن است که به یک بخش روایت توجه ویژه نماییم و از بخش‌های دیگر غفلت ورزیم و یا آن‌که اوزان برخی از مفاهیم روایت را مورد توجه قرار داده و از برخی دیگر عبور کنیم.

فهم «حداقلی» و سطحی از عناصر پنج‌گانه مزبور نیز آن است که بگوییم: نماز بخوانیم که فقط نماز بخوانیم و رفع تکلیف کنیم! به این صورت، پیکره و جسد نماز را شکل خواهیم داد، اما به محتوای آن کاری نداشته و در مفاهیم آن دقت نخواهیم کرد! این شیوه، حداقلی کردن نماز است! و در سایر عناصر پنج‌گانه نیز می‌تواند تسری یابد. مثلاً در موضوع «زیارت اربعین»، بسنده کردن به قرائت ده دقیقه‌ای زیارت در طی یک سال، حداقلی کردن این هدیه الهی است لذا سخن حضرت، تصریحی به محدود کردن «زیارت اربعین» به «قرآءه» آن ندارد. «قرائت»، آن حداقل رفتاری است که می‌تواند در قبال «زیارت اربعین» شکل بگیرد. انجام «زیارت فردی» به اشکالی که مورد تایید عترت بوده است نیز بخشی از این سیر است و البته «زیارت جمعی» اربعین به شکل موجود و تکامل یافته آن نیز در همین فضا قابل مطالعه است.

بر این اساس همان‌گونه که فضای «نماز» و استمرار آن، به مثابه رکنی جدی در معرفی مومنین است، ورود به «زیارت اربعین» و بهره‌سالیانه از آن نیز، رکنی آشکار بوده و ضامن حیات جامعه



ایمانی است! خلاء آن نیز، حیات جامعه ایمانی را دچار چالش می‌سازد! حضرت آیه الله جوادی آملی

با سخنی زیبا و لطیف، پیوند این دو رکن را در زندگی ایمانی مورد توجه قرار داده‌اند^۱:

مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسأله اختصاص به شیعه ندارد و نیز

«الف و لام» در کلمه «الاربعین»، نشان می‌دهد که مقصود امام عسکری علیه السلام اربعین معروف و معهود

نزد مردم است.

اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است، بلکه طبق این روایت در

ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بر پایه این روایت، همان گونه که نماز ستون

دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است. به دیگر سخن، براساس

فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله عصاره رسالت نبوی صلی الله علیه و آله قرآن و عترت است؛ «إني تارك فيكم الثقلين...»

کتاب الله و... عترتی أهل بیتی». عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و

عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری علیه السلام در کنار

هم ذکر شده است.

ع-۲. حدیث ۲: «زیارت الاربعین» منقول از امام صادق علیه السلام

۱ - عبدالله جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۲۲۷.



چنان‌که پیش از این گذشت، در موضوع دعا و زیارت اربعین، دوگونه روایت نقل شده است؛ اولاً روایتی که به‌عنوان زیارت اربعین از جناب جابر نقل شده است و متن آن، متن مشابه زیارت نیمه رجب برای امام حسین علیه السلام است^۱ و ثانیاً متن امام صادق علیه السلام. ما در ادامه از تمرکز بر متن جناب جابر پرهیز کرده و «زیارت الاربعین» منقول از امام صادق علیه السلام را مورد توجه و تحلیل قرار خواهیم داد، ان‌شاء الله.

۴-۱. متن زیارت همراه با ترجمه و عناوین اولیه

ابتدا متن زیارت را ارائه کرده، محتوا را دسته‌بندی نموده و پس از مطالعه و تحلیل ابعاد آن، میزان پیوند این زیارت با پدیده قدرتمند اربعینی امروز را مورد سخن قرار خواهیم داد. در این سیر، خواهیم دید که پس از گذشت هزار و اندی سال و بعد از تحقق پدیده عظیم اربعینی، ظرفیت زیارت اربعین، چیزی متفاوت از آن فضایی است که در گذشته مورد فهم قرار گرفته است! رفتار ما در قبال زیارت اربعین و فرمایش امام صادق علیه السلام، عمدتاً رفتاری حداقلی بوده است؛ ما با تقلیل «زندگی اربعینی»، به خواندن «زیارت الاربعین» اکتفا کرده و از فضای اصلی تربیتی که توسط امام صادق علیه السلام تبیین شده است جا مانده ایم!

از صفوان جمّال روایت است که وی گفت: مولایم امام صادق علیه السلام درباره زیارت اربعین به من فرمود: هنگامی که قسمت قابل توجهی از روز برآمد، این زیارت را بخوان:

۱ - ر.ک دانشنامه اسلامی، مدخل زیارت اربعین:

http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AA_%D8%A7%D8%B1%D8%A8%D8%B9%DB%8C%D9%86

فضاها		فرازاها	تعبیر روایت	ترجمه	کدهای قرآنی
زیارت در محضر خداوند	۱. سلام بر امام و تعیین جبهه	السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ	سلام بر ولی خدا و دوست او	جریان ولایت و حب	بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ
		السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيبِهِ	سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او		
		السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيهِ	سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش		
		السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ	سلام بر حسین مظلوم و شهید		
		السَّلَامُ عَلَىٰ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ	سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاری‌ها اسیر بود و کشته اشک روان گردید	جهاد	
	۲. شهادت به موقیبت و جایگاه امام	اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَإِنُّكَ وَلِيُّكَ وَصَفِيكَ وَإِنَّ صَفِيكَ	خدایا من به راستی گواهی دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده‌ات و فرزند برگزیده‌ات بود	جریان ولایت	بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ
		الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبِوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَأَجْتَنَبْتَهُ بِطَيْبِ الْوَلَادَةِ	که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرمی‌اش کردی به وسیله شهادت و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی	طهارت/ جهاد/ زیستن آسمانی در دنیا	
		وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ	و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند		
		وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ	و میراث پیامبران را به او دادی و از اوصیایی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی		
	۳. رفتارشناسی و فلسفه قیام	فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ	او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای (برای کسی) نگذارد و بی‌دریغ خیرخواهی کرد	زیستن آسمانی در دنیا	بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ
وَبَدَلَ مَهْجَتَهُ فِيكَ لَيْسَتْ تَقْدَرُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ		و جان خود را در راه تو داد تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی	رهانیدن از جهالت و ضلالت/ ولایت و نور/ عبودیت و به عبادت کشاندن		

نوع نگاه به دنیا و آخرت	و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریشتان داد. و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش را در مقابل بهایی اندک و بسی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند	وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّبْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ	۴. دشمن شناسی، جهاد، لعن	زیارت در محضر ولی خدا
	و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و پیروی کردند از میان بندگان آنانی را که اهل دو دستی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه به دوش می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند	وَ اسْخَطَكَ وَ اسْخَطَ نَبِيكَ وَ اطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النِّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ		
جهاد/ عبودیت	آن حضرت (که چنان دید) با شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونش در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد	فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ		
تبری	خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی وبال دار و عذابشان کن به عذابی دردناک	اللَّهُمَّ فَالْعُنُتَهُمُ لَعْنَا وَ بِيَلًا وَ عَذَبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا		
	سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء	السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ		
جهاد	تربیت رب/ زیستن آسمانی	گواهی دهم که به راستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت دار اویی سعادت مند زیستی و ستوده از دنیا رفتی و گمگشته و ستم دیده و شهید درگذشتی	أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا وَ مِتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا	۶. شهادت به جایگاه و شخصیت امام
	نوع نگاه به آخرت	و نیز گواهی دهم که خدا به راستی وفا کند بدان وعده ای که به تو داده، و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاری ات برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت	وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ	
	عبودیت	و گواهی دهم که تو به خوبی وفا کردی به عهد، خدا، و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید	وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّىٰ آتَيْتَ الْيَقِينَ	
	تبری	خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند،	فَلَعْنَهُ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعْنَهُ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعْنَهُ اللَّهُ أُمَّةٌ سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ	

توکی و تبری		8. شاخص تولی	
		اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَبِي وَوَلِيِّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوُّ لِمَنْ عَادَاهُ	خدایا من تو را گواه می‌گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد
زیستن حسینی در محضریت خدا و ولی او		9. شهادت به جایگاه نورانی، معنوی و نسبی امام و فرزندان	
		أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُظْهَرَةِ لَمْ تُتَجَسَّكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُتَلَبَّسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا	گواهی دهم که تو به راستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحم‌هایی پاکیزه که آلوده‌ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگی‌هایش و در برت نکرد از لباس‌های چرکینش
		وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِيُّ،	و گواهی دهم که به راستی تو از پایه‌های دین و ستون‌های محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمان هستی
		وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وَ لَدَيْكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا	و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوا و نشانه‌های هدایت و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجت‌هایی بر مردم دنیا هستند
10. رفتارشناسی مطلوب در همراهی با امام		وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُؤَقِّنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي	و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم
		وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ	و دلم تسلیم دل شما است و کارم پیرو کار شما است و یاری ام برایتان آماده است تا آن که خدا در ظهورتان اجازه دهد
		فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامِعٌ عَدُوُّكُمْ	پس با شمایم نه با دشمنان شما،
		صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَيَّ أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ	درودهای خدا بر شما و بر روان‌های شما و پیکرهایتان و حاضران و غایبتان و آشکارتان و نهانتان،
		أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.	آمین ای پروردگار جهانیان

جدول 4-1. متن زیارت اربعین



۴-۲-۲. بیان روایت؛

متن منقول از امام صادق علیه السلام در موضوع «زیارت الاربعین» - که محتمل است توصیه امام حسن عسکری علیه السلام به حسب «ال» در «زیاره الاربعین» نیز مشعر به آن باشد از زیارت‌های خاص امام حسین علیه السلام است، که بخش قابل توجهی از خصوصیات «زیارت نسبت به حضرت» در سایر متون روایی را، در درون خود واجد می‌باشد. امام صادق علیه السلام این گونه، با نگاه امامت و ولایت، مسیر صحیح و دقیق این ایام را تبیین کرده و به سوی آینده این ماجرا ریل‌گذاری نموده‌اند.

بر اساس روایات موجود، امام صادق علیه السلام در زمان امامت خود، رفع نیازهای فکری عملی جامعه خویش و آیندگان را در گستره ای عظیم به بحث گذارده و تبیین ابعاد نظری و عملی ماجرای حسینی اقامه عزا، شکر حسینی، توجه به رجعت - را به‌ویژه در فضای اجتماعی، به‌عنوان راهکاری عظیم برای عبور از بحران‌های آینده وجهه همت قرار داده است! از ادعیه موید این فضا، «زیارت الاربعین» است که حضرت با بیان دقیق و مؤثر خود، مبین این نقشه راه شده و با طرح آن حداقل در ۳ فضای کلی^۱ و در ۱۰ بخش^۲، ماجرا و زیارت حضرت را با نگاهی جامع و آینده‌نگر مورد توجه قرار داده‌اند.

۱ - «زیارت در محضر خداوند»، «زیارت در محضر ولی خدا»، «زیستن حسینی در محضریت خدا و ولی او». همچنین در کتاب ارزشمند رهروان راه عاشورا، اثر استاد محمد حسین الهی زاده نیز این ۳ فضای کلی با مفاهیمی مشابه مورد تاکید قرار گرفته است.

۲ - برخی دیگر نیز این زیارت را با نگاهی متفاوت، به ۱۰افراز تقسیم کرده و مورد سخن قرار داده‌اند. رک پایگاه اطلاع رسانی حوزه، گنجینه معارف، شرح فراهایی از زیارت اربعین: <https://hawzah.net/fa/Article/View/93319>
برخی نیز این زیارت را به ۱۴افراز تقسیم کرده و مورد سخن قرار داده‌اند. رک ج سنابرق، مجله فرهنگ زیارت، دیماه سال ۱۳۹۲، شماره ۲۰ و ۱۹، مضامین زیارت اربعین: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/6444/8160/107510>



۴-۲-۳. بررسی سندی

منبع اولیه زیارت اربعینی منقول از امام صادق علیه السلام، کتاب «تهذیب» و «مصباح» شیخ طوسی بوده و شیخ نسبت به آن اعتماد ورزیده است.^۱ این روایت، همچنین توسط مرحوم ابن طاووس در «اقبال الاعمال»، کفعمی در «مصباح»، شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعه»، علامه مجلسی در ج ۹۸ «بحار الأنوار»، محمد بن جعفر مشهدی در «مزار الکبیر» و برخی دیگر از عالمان، با سند متصل و مسند به جناب صفوان نقل شده است.^۲ گرچه در میان نقل‌ها، برخی تفاوت‌های جزئی نیز دیده می‌شود، اما کلیت نقل‌ها ثابت، یکسان و معتبر می‌باشد.^۳

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلَعُكَبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَزُورُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ...

بر این اساس، متن «زیارت الاربعین» را حضرت صادق علیه السلام به صفوان بن مهران (معروف به صفوان جمالی) آموخته است و فرموده است که این زیارت‌نامه را هنگامی که آفتاب روز اربعین برآمد و روز بلند شد، بخواند. این توصیه، اهمیت این زیارت مأثور را می‌رساند.

۱ - محمدبن حسن طوسی (شیخ)، التهذیب، ج ۶، ص ۱۱۳؛ محمدبن حسن طوسی (شیخ)، مصباح‌المتهدج، ص ۷۸۸.

۲ - سید بن طاووس، الإقبال، ص ۵۸۹؛ ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، مصباح‌الکفعمی، ص ۴۸۹؛ شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

۳ - موسوعه زیارات المعصومین، مؤسسه الامام الهادی، ج ۳، ص ۴۲۹.



گرچه سند مزبور در ارزیابی‌های رجالی متأخر، به دلیل مجهول بودن «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَعْمَرٍ» و «أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعَدَةَ» ضعیف شمرده شده است^۱، لیکن می‌بایست بدین موضوع توجه نمود که معمولاً شیخ طوسی رحمته الله علیه حاصل‌گزینش دقیق و انتخاب معقول خود از روایات فراوان درباره تقویم مورد نظر شیعه، درباره ایام سوگ و شادی و دعا و روزه و عبادت را در کتاب «مصباح المتجهج» خود آورده است^۲. شیخ طوسی در این کتاب قصد آن داشته که نسبت‌های تعریف شده بر اساس مناسبات را ارج نهد و بدین‌سان بخشی از مدل زندگی شیعی را تعریف نماید.

۴-۲-۴. بررسی محتوای روایت امام صادق علیه السلام

طبق جدول ارائه شده، این زیارت مشتمل بر ۳ فضای کلی و ۱۰ بخش اصلی است. سه فضای کلی در این زیارت چنانکه مشهود است عبارت است از:

- «زیارت در محضر خداوند»، در بخش اول تا چهارم
- «زیارت در محضر ولی خدا»، در بخش پنجم تا هفتم
- «زیستن حسینی در محضریت خدا و ولی او»، در بخش هشتم تا دهم.

در این زیارت، جریان با سلام شروع می‌شود و با شهادت به عظمت و برتری اباعبدالله ادامه پیدا می‌کند. نسبت به قاتلین حضرت صحبتی مطرح می‌شود، تجدید بیعتی با حضرت می‌شود و پشتوانه‌های نوری حضرت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در نهایت، آینده حضرت و فرزندان حضرت

۱ - رک نرم افزار درایه الحدیث از مجموعه نرم افزارهای نور، بخش اسناد، کتاب تهذیب، ج ۶، ص ۱۱۳.

۲ - رسول جعفریان، روزنامه اطلاعات، اعتبار اربعین امام حسین علیه السلام:



مورد توصیف قرار گرفته و قدری از اعتقادات دینی نسبت به رفتارهای حضرت در آینده سخن به میان آورده می‌شود. این امور را در بخش‌های ده‌گانه، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۲-۱. بخش اول: «سلام» بر امام علیه السلام

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَسْلَامٌ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ أَسْلَامٌ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ أَسْلَامٌ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ أَسْلَامٌ عَلَى الْاِحْسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ أَسْلَامٌ عَلَى اَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ»^۱

ماجرا با یک مجموعه «سلام» شروع می‌شود. سلامی جهت تحقق معانی و درجات آن، در مواجهه با ویژگی‌های امام! و تعیین جبهه! در این فرازها چند نوع سلام نسبت به اباعبدالله الحسین علیه السلام مطرح می‌شود. در بعد اول بررسی در این مجموعه از سلام، «مشابَهت حضرت و پیامبران» مورد توجه قرار گرفته و حضرت با ویژگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابراهیم و آدم علیهم السلام معرفی می‌شود.

در بعد دوم بررسی این سلام‌ها، «سیر ویژگی‌های امام» از ورای آسمان‌ها تا دنیا مورد توجه قرار می‌گیرد: از ولیّ و حبیب خدا، از جریان «ولایت» و «حب»، به سمت «خلیل»، «نجیب» و «صفی»، و سپس به سوی حسین «مظلوم»، «اسیر الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ». در این سیر، عملاً به ما نشان می‌دهند که تا یاد اباعبدالله افتادید، ابتدا ابعاد بالایی حضرت را مدنظر قرار دهید و سپس در عمق میدان، به حسین علیه السلام که شهید مظلوم است و اسیر الْكُرْبَاتِ بپردازید. این نوع از معرفی نسبت به حضرت، در

۱ - سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام بر حسین مظلوم و شهید سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاری‌ها اسیر بود و کشته اشک روان گردید.

فضای «مرزبندی جبهه حق و باطل» مطرح می‌شود. این مرزبندی از همان ابتدا توسط امام صادق علیه السلام

مطرح شده و همان بعد سومی از ابعاد سلام‌ها است که نیاز به بررسی دقیق‌تر مفهوم «سلام» دارد^۱.



نمودار ۴-۱. «درجات هماهنگی با امام»؛ از طریق مفاهیم مطرح در سلام (پیوند آسمانی، امنیت، تسلیم)

بر اساس آنچه گذشت در بخش اول این زیارت یعنی مجموعه‌ای از «سلام»‌ها نسبت به حضرت، محورهای ۳گانه «مرزبندی جبهه حق و باطل»، «سیر از بالا به پایین»، و «مشابهت حضرت با پیامبران» روشن شده و با پذیرش «پیوند آسمانی»، ایجاد «سِلْم و امنیت» همچنین «تسلیم» بودن نسبت به ۳ محور پیش گفته، ورود به فضای حسینی و اربعینی تثبیت می‌گردد. بر این اساس، «زیارت الاربعین» ما را با فرهنگی خاص وارد جریان اربعین می‌کند. «زیارت الاربعین» یعنی طبق این فضا، بر محور امام،



تعریف پذیرفتن و نقش آفرین بودن! اینچنین است که زیارت اربعین، علامتی از علائم مومنین شمرده می‌شود و نه صرف قرائت ده دقیقه‌ای متن آن!

۲-۴-۲. بخش دوم: شهادت به موقعیت و جایگاه امام حسین (ع)

در بخش دوم زیارت، مجموعه گواهی‌ها و «شهادت»هایی نسبت به موقعیت و جایگاه اباعبدالله (ع) صورت می‌پذیرد؛

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيكَ وَإِبْنُ وَلِيكَ وَصَفِيكَ وَإِبْنُ صَفِيكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبْوَتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ»^۱

جالب آن‌که این شهادت‌ها را انسان مستقیم با امام (ع) مطرح نمی‌کند، بلکه با خداوند مطرح

می‌کند! در زیارت اربعین به ما یاد می‌دهند اول با امام صحبت کنیم و سپس با خدا. در روایات

مختلف نیز این مفهوم مورد توجه است که خداوند به اتصال و واسطه امام عبادت می‌شود؛

امام صادق (ع): به واسطه ما خداوند عبادت می‌شود و اگر ما نباشیم خدا شناخته نمی‌شود!^۲

در زیارت اربعین این نگاه به ما منتقل می‌شود که اولاً ماجرای کوچ امام به سوی آخرت با شهادت

همراه بوده است، ثانیاً این شهادت مورد توجه خدا بوده و خدای متعال آن را رقم زده است، و ثالثاً

این نوع از کشته شدن موجب کرامت اباعبدالله (ع) است: «الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ» خدایا!

۱ - خدایا من به راستی گواهی دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده‌ات و فرزند برگزیده‌ات بود که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرامی‌اش کردی به وسیله شهادت و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند و میراث پیمبران را به او دادی و از اوصیایی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی.

۲ - محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۶۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۴۶.



خون او را هدر ندادی و با شهادت او را اکرام کردی. شهادت باعث اکرام او بود و ما باید بفهمیم که چطور می شود این مقوله باعث اکرام شود؟

در ادامه آمده است: «وَحَبَوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ» خدایا سعادت خاص را به او عطا کردی و به او اختصاص دادی. «وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ» او را با طهارت ولادت برگزیدی. «وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ» او را آقای بزرگ از آقایان عالم قرار دادی. و البته این جا هر آقای مدنظر نیست! عترت مطرح است و سیدی در میان سادات، یعنی او را در میان ۱۴ نور قرار دادی.

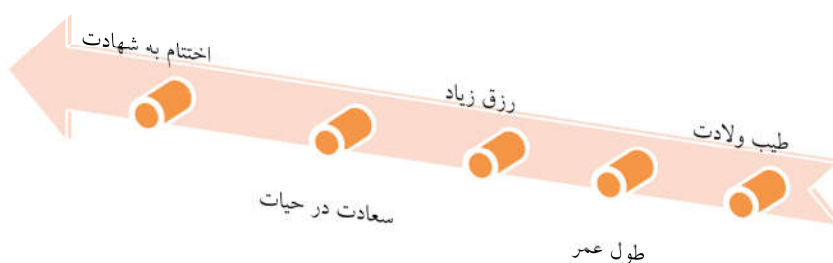
در ادامه آمده است: «وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ» و رهبر و امامی در میان رهبرها. بلکه رهبری در میان اهل بیت علیهم السلام مد نظر است. «وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ» مدافعی در میان مدافعان قرار دادی. و چه زیبا است که با این تعبیر، بخشی از دوران اهل بیت علیهم السلام دوران دفاع نام می پذیرد.

و می گوئیم: «وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ» خداوندا! دست او بسیار پر بود. آن چیز که انبیاء علیهم السلام از علم، قدرت و معجزات داشتند، همه را در دست او قرار دادی. «وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ» او را حجت بر مجموع خلائق و نه فقط انسان- قرار دادی و آن چیز که خلق توسست، او حجت بر آنها است.

براستی آیا رایحه ای از این ویژگی ها نیز می تواند به ما منتقل شود؟ و چگونه؟ مثلاً اکرام به شهادت، سعادت در حیات، و طهارت در ولادت از ویژگی های اباعبدالله علیه السلام است؛ «أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَ أَجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ». آیا راهکاری برای کسب این موقعیت های ارزشمند وجود



دارد؟ همچنان‌که پیش از این، در روایات مربوط به زیارت حضرت گذشت: «کسی که زیارت اباعبدالله می‌کند مثل طفلی که از مادر متولد می‌شود طاهر می‌شود». و در روایت دیگر نیز چنین آمد که: «ترک زیارت حضرت نکنید تا چهار چیز برایتان شکل بگیرد: طول عمر، رزق زیاد، سعادت در حیات و اختتام به شهادت».



نمودار ۲-۴. برخی از ویژگی‌های امام حسین علیه السلام و تاثیر از رایحه آن با زیارت

۲-۴-۳. بخش سوم؛ رفتارشناسی و فلسفه قیام

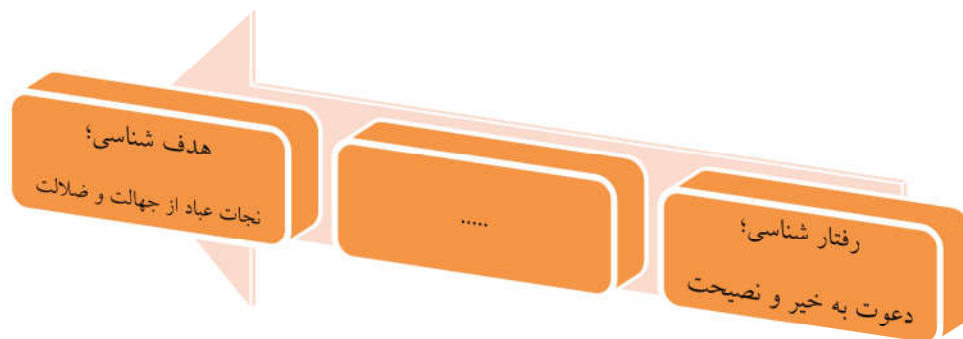
در ادامه و در بخش سوم زیارت، شیوه امام از آغاز در دنیا تا انجام در آینده تبیین شده، و علت بذل جان حضرت، همچنین سیاست عملی حضرت در چگونگی سوق اجتماع به سوی آینده مورد توجه قرار می‌گیرد؛

«فَاعْذَرِ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحِ النَّصْحَ وَ بَدَلْ مَهْجَتَهُ فَيَكُ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»^۱

بر اساس این فراز، کارنامه و شاکله رفتاری اباعبدالله علیه السلام در نگاه امام صادق علیه السلام، کارنامه‌ای

منطبق با بهترین و پرقدردمندترین روش‌ها و رفتارها در انطباق با قرآن است.

۱ - او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای (برای کسی) نگذارد و بی‌دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد تا برهاند بندگان را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی.



نمودار ۳-۴. شاکله رفتار اجتماعی امام حسین علیه السلام در نگاه امام صادق علیه السلام

این کارنامه، با تعبیری وزین در زیارت اربعین ترسیم شده و فراتر از کلام نیز تحقیقی تام یافته است: تعبیر «فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النُّصْحَ وَ بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْك...» سرآغاز توصیف رفتاری حضرت در دنیا با عنوان «دعوت» به خیر بوده و تعبیر «...لَيْسَتْ تَقْدِ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» ترسیم کننده هدف اباعبدالله علیه السلام و سرانجام آن در سرزمین مهدویت می باشد. سرآغازی زیبا و انتهای پرشکوه و قدرتمند! با نجات یافتگانی بسیار! چه این که مهدویت جز به حسینیت شناخته نگردد و جز به تحقق تام ارزش های حسینی تحقیقی تام نیابد!

بر اساس قرآن، «دعوت» به خیر را باید در نسبت با فضای «امر به معروف» و «نهی از منکر» تعریف نمود. این مهم، نسبت به دو فضای مزبور مقدم بوده و یک شاه کلید محسوب می شود. در آیه ۱۰۴ سوره شریفه آل عمران نیز از این سه فضا در قبال مردم - همراه با تقدم و تاخیر خاص - سخن به میان آمده است؛ ابتدا «دعوت به خیر»، سپس «امر به معروف» و نهایتاً «نهی از منکر»:

۱ - چنانچه پیش از این، نظر مرحوم آیه الله بهجت نیز از نظر گذشت ر.ک محمد حسین رخ شاد، در محضر بهجت، ص ۱۲۶.



«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱

این سه، همگی در ماجرای اباعبدالله علیه السلام موجود است و البته در این فراز از زیارت، سخن از اولین و مهم‌ترین موضوع به میان آمده است: «فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصِيحِ» تا آن‌جا که هیچ عذری در دعوت باقی نگذاشت!

جالب آن‌که در مقام تطبیق «زیارت مکتوب اربعین» با «پیاده روی عظیم اربعین» که امروزه با عنوان «زیاره الاربعین» شناخته می‌شود، این نوع از شیوه قابل مطالعه است. آن‌چیز که در پیاده روی اربعین مشهود است ابتناء بر «دعوت به خیر» است. یعنی همان شیوه‌ای که قرآن به صراحت ذکر می‌کند و در زیارت مکتوب اربعین نیز نسبت به حضرت ذکر شده است.

در فراز بعدی آمده است: «...لَيْسَتْ تَقْدَرُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ». مهم‌ترین موضوع حرکتی اباعبدالله علیه السلام در این فراز از زیارت مطرح شده است. اباعبدالله علیه السلام جانش را در راه خدا داد تا فضای پر قدرت دستگیری و نجات بندگان خدا از جهالت و گمراهی و سرگردانی -چه در این مرحله از تاریخ و چه در مراحل بعد- شکل گیرد.

در بخش چهارم زیارت اربعینیه به این پرسش پاسخ داده می‌شود که تا چه بخشی از بندگان امکان دستگیری و نجات را خواهند یافت؟ در آن بخش، از سرآمد دشمنان حضرت سخن به میان می‌آید، همان کسانی که مُطاع دیگران هستند و با عنوان عباد اهل شقاوت و نفاق، و سرآمدان تقابل معرفی

۱ - آل‌عمران، ۱۰۴.



می‌گردند. در این فراز، دامنه عباد از محدوده انسان‌های نیک و معمولی، تا اهل شقاوت و نفاق نیز توسعه پیدا کرده است! بر این اساس، نور حسینی ظرفیتش چنان است که عباد را حتی از آن فضا نیز به‌سوی خود فرا می‌خواند و اگر دستی دهند، به‌سوی خود می‌کشاند.

بر اساس سخن حضرت، ظرفیت نجات‌بخشی کشتی حسینی نسبت به سایر کشتی‌های نجات معصومین علیهم‌السلام «أَوْسَعُ وَأَسْرَعُ» است.^۱ این بخش بر اساس سخن حضرت در حیطه «امت جد» و بر اساس متن زیارت اربعین در حیطه‌ای فراتر معنا می‌یابد که «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ!» ظرفیت نجات‌بخشی کشتی حسینی، نجات‌بخشی از عباد خداست؛ یعنی حیطه آن، همه ادیان الهی و حتی فراتر را در بر گرفته است. بر اساس تعبیر مذکور، زائر اربعینی همچون امام خویش می‌بایست افقی بلند را مدنظر داشته باشد، فراتر از قوم، قبیله، کشور و حتی فراتر از ادیان بنگرد و در مسیر نجات‌بخشی بندگان خدا گام بر دارد! آن‌جا را باید نشانه گرفت. کجا؟ «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ...» آن‌جا که عباد خدا گرفتار شیطان و جهالت شدند، تا آن‌جا را باید هدف گرفت. این می‌شود فرار از حرکت‌های حداقلی و حرکت صحیح به‌سوی جذب حداکثری بر مدار ارزش‌های حسینی!

۴-۲-۴. بخش چهارم: دشمن‌شناسی، جهاد و لعن

تا این بخش از زیارت، نسبت میان ما با امام، تاثیرات جریان حسینی، علت و هدف قیام امام مورد دقت قرار گرفته است. اینک، امام صادق علیه‌السلام دشمن‌شناسی را مورد توجه قرار می‌دهد؛

۱ - شیخ جعفر شوشتری، خصائص الحسینیة، ص ۱۴. این تعبیر در نگاه شایع، صادر شده از امام صادق ع تلقی می‌گردد اما در منابع، هیچ سندی نسبت به این انتساب وجود ندارد، بلکه سخن صحیح و زیبایی از مرحوم شیخ جعفر شوشتری می‌باشد.



«وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْإِدْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْحَطَكَ وَأَسْحَطَ نَبِيكَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالثَّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اَللّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَ عَذِّبُهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا»^۱

بر اساس این تعابیر، اولاً جنس جبهه مقابل امام حسین علیه السلام جنس دنیا و اتکاء به دنیا است! ثانیاً:

کسی که با امام مواجه می‌شود و روبه‌روی ایشان می‌ایستد، اگر از فرصت نجات خود استفاده نکند در پست‌ترین جایگاه‌های عالم قرار گرفته است. ای کاش انسان می‌فهمید که خود را به چه ثمن بی‌ارزشی فروخته است!

کارنامه اباعبدالله در دوران حیات چه بوده است؟ «وَحَبَوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ» سعادت در دوران حیات داشتند. امامان اهل آتش و سرآمد دشمنان اباعبدالله چه داشتند و چه دارند؟ «الشَّقَاقِ وَالثَّفَاقِ». اباعبدالله در سعادت بود و در مقابل، جبهه شقاوت قرار داشت! پیش از این، در روایات زیارت گذشت که انسان! با زیارت حسینی، اهل سعادت می‌شود. دشمنان نیز با شقاوت خویش، بار گناه را بر دوش کشیدند و آتش برایشان واجب شد: «وَحَمَلَةَ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ».

۱ - و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریبشان داد. و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش را در مقابل بهایی اندک و بی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و پیروی کردند از میان بندگان آنانی را که اهل دو دستگی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه به دوش می‌کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی وبال دار و عذابشان کن به عذابی دردناک.



عملاً در بخش چهارم زیارت اربعینیه، نگاهی به جبهه مقابل می‌کنیم: در جبهه مقابل، پست‌ترین‌ها هستند. کسانی که به هیچ وجهی نتوانستند به جریان نور پر قدرت متصل شوند. و در همین فضا تقاضای فرود آمدن شمشیر لعن برای آن‌ها می‌کنیم: «اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لُعْنًا وَبِيلاً وَ عَذَّبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا». چون لعن در مقابل رحمت است^۱، معنا آن خواهد بود که خدایا! فرصتی فراهم نساز تا به رحمت نزدیک شوند. خدایا! یک لعن مستمر که لحظه‌ای انقطاع نداشته باشد، بر این دشمنان جاری فرما!

۴-۲-۵. بخش پنجم تا هفتم؛ سلام، جایگاه و شخصیت امام، لعن بر دشمنان

در بخش پنجم از زیارت اربعینی، مجدداً ما را وارد فضایی از سلام بر ابا عبدالله علیه السلام می‌کنند و با تعبیری، نسبت حضرت را با شجره رسالت، خلافت، ولایت و وصایت پیش چشم قرار می‌دهند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَأَبْنُ أَمِينِهِ عِشَّةٌ سَعِيداً وَمَضِيَّةٌ حَمِيداً وَمُتَّ قَقِيداً مَظْلوماً شَهِيداً وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَمَهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ»^۲

۱ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۸۷؛ و كُلُّ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ فَقَدْ أَبْعَدَهُ عَنْ رَحْمَتِهِ وَ اسْتَحَقَّ الْعَذَابَ فَصَارَ هَالِكاً. وَ اللَّعْنُ: التَّعْذِيبُ، وَ مَنْ أَبْعَدَهُ اللَّهُ لَمْ تَلْحَقْهُ رَحْمَتُهُ وَ خُلِدَ فِي الْعَذَابِ. وَ اللَّعِينُ: الشَّيْطَانُ، صِفَةٌ غَالِبَةٌ لِأَنَّهُ طَرِدَ مِنَ السَّمَاءِ، وَ قِيلَ: لِأَنَّهُ أُبْعِدَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.

۲ - سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء گواهی دهم که به راستی تو امانت‌دار خدا و فرزند امانت‌دار اوایی سعادت‌مند زیستی و ستوده از دنیا رفتی و گمگشته و ستم‌دیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا به راستی وفا کند بدان وعده‌ای که به تو داده، و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاری ات برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهی دهم که تو به خوبی وفا کردی به عهد خدا، و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند.



در سیر دوم از سلام‌ها و در این فراز، هم اتصال زائر به جریان خدایی اباعبدالله علیه السلام شکل می‌گیرد و هم مجدداً امن بودن، سلم بودن و تسلیم بودن زائر نسبت به جریان رسالت و وصایت مطرح می‌شود. ضمن آن‌که به جایگاه امام ع، جد ایشان و نیز ویژگی‌های شخصیتی ایشان اشاره می‌شود. در این سیر، تأکیدی مجدد بر نوع زندگی و حیات حسینی و نوع ارزش‌های حسینی علیه السلام می‌شود. آن‌چیز که در فضای اول، اعم از «طیب ولادت»، عطای سعادت و «اکرام به شهادت» باز شده بود، در این فضا روشن‌تر شده و موضوع زندگی سعادت‌مندان مورد تأکید قرار می‌گیرد! موضوعات مهم دیگری نیز در امتداد این مسیر قرار می‌گیرد و ادامه این جریان را روشن می‌کند.

بخشی از فرازهای سلام و شهادت دوم، بر محور «وعده» و بخشی بر محور «وفای به عهد» پیش می‌رود: «وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ». وعده خدا به حسین علیه السلام و وفای به عهدی که حسین علیه السلام نسبت به عهد خدا کرد! حسین جان! هم شما به عهدی که داشتی وفا کردی و هم خداوند در آینده به وعده خود وفا خواهد نمود. این عهد، با مجاهده در سبیل خدا و تا رسیدن به یک جریان یقینی در آینده -البته برخی پایان عمر معنا می‌کنند- پیش رفته و می‌رود.

و از جانب ما مجدد نسبت به دشمنان چه چیز ابراز می‌شود؟ یک جریان گسترده عذاب، شمشیر، سیلی و... در قالب لعن! چرا که اوج تنبیهات، لعن است! چه برای کسانی که در صحنه حاضر شدند: «مَنْ قَتَلَكَ»، چه کسانی که با پشتیبانی خود ظلم کردند: «مَنْ ظَلَمَكَ» و چه کمتر! یعنی «أُمَّةٌ سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ».



۴-۲-۴. بخش هشتم؛ شاخص تولی و تبری در جبهه حق

بخش هشتم از زیارت اربعینی، تجدید عهد و پیمان ما نسبت به امام است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَأْتِيَنَّ رَسُولَ اللَّهِ»^۱

چه زمانی این تعبیر را بر زبان جاری می‌کنیم؟ زمانی که در زیارت اربعینه با ابا عبدالله علیه السلام که صاحب ولایت است، پیمان بسته‌ایم که بر گرد او با جهان تعامل کنیم! حال مدعایمان را مهر کرده و تثبیت می‌کنیم. از این جا به بعد باید از حرکت فردی خود دست برداریم و اجتماع شویم. از این جا به بعد می‌بایست بر مدار ولایت حسین علیه السلام اجتماع کنیم و شاخص زندگی مان در تعامل با دیگران، پذیرش ولایت حسین علیه السلام باشد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ». خدایا! من با هر کسی که ولایت و پیمان او را قبول کرده، همراه و هم‌پیمان هستم. و این شاخص، در مفارقت‌ها نیز معنا می‌پذیرد: «وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ». این موضوع عجیب، در زیارت عاشورا نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بر این اساس، در آتیه عالم که قرار است حسینیت، محور جریان فرهنگی برای رفع ضلالت و گمراهی از جهان قرار بگیرد، کلیه تعاملات میان افراد می‌بایست ابتداء بر مدار پذیرش ولایت حسین علیه السلام و نفی ولایت حضرت تنظیم بشود. شاید اگر شرایط امروز جریان اربعینی واقع نشده بود، این نوع از نگاه، نه در فضای ما قابل فهم بود و نه مطلوب! امروز این فرازهای ادعیه در حال پیاده شدن است. در این فضا است که تقارب ادیان معنا می‌پذیرد. عارف روشن ضمیر، حضرت آیت الله محمدتقی بهجت فومنی در این زمینه و درباره ظرفیت پیاده‌روی اربعین چنین فرموده است:

۱ - خدایا من تو را گواه می‌گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا.



روایت دارد که امام زمان علیه السلام که ظهور فرمودند، به اهل عالم اینگونه پنج ندا می‌کنند: «آلا یا اهل العالم إن جدی الحسین قتلوه عطشاناً، آلا یا اهل العالم إن جدی الحسین سحقوه عدواناً»، امام زمان علیه السلام خودشان را به واسطه امام حسین علیه السلام به همه عالم معرفی می‌کنند، بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین علیه السلام را شناخته باشند، اما الان همه مردم عالم، حسین علیه السلام را نمی‌شناسند و این تقصیر ماست، چون ما برای سیدالشهدا علیه السلام طوری فریاد نزدیکیم که همه عالم صدای ما را بشنود. پیاده‌روی اربعین بهترین فرصت برای معرفی حسین علیه السلام به عالم است.^۱

۲-۴-۷. بخش نهم؛ شهادت به جایگاه نورانی، معنوی و نسبی امام و فرزندان

اینک پس از وفای به عهد و شهادت، نوع نگاه به حضرت و شجره امامان، از موقعیتی فراتر و بالادستی مورد توجه قرار می‌گیرد؛

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلَبِّسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْإِئِمَّةَ مِنْ وَدَكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا»^۲

این بار، معرفی حضرت، از بعد نوری شکل می‌گیرد و از سیر فرود نور او سخن به میان می‌آید؛ نور او پایین آمده است و تا آخر به لطافت و طهارت خود باقی خواهد ماند. و مشخص است که هر کسی توان حمل او را به دنیا نداشته و اصلااب ارزشمند و ارحام مطهر، او را به درستی منتقل کرده‌اند.

۱ - محمد حسین رخ شاد، در محضر بهجت، ص ۱۲۶.

۲ - گواهی دهم که تو به راستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحم‌هایی پاکیزه که آلوده‌ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگی‌هایش و در برت نکرد از لباس‌های چرکینش و گواهی دهم که به راستی تو از پایه‌های دین و ستون‌های محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمان هستی و گواهی دهم که تو به راستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته‌ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوا و نشانه‌های هدایت و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجت‌هایی بر مردم دنیا هستند.



همچنین هیچ جاهلیتی نتوانسته نور او را، به نجاست خود بیالاید و بر تن او لباس آلودگی بپوشاند. هیچ چیزی نیز نتوانسته به نور او که به سوی دنیا آمده است دست‌اندازی نماید. در ادامه نیز، امتداد این جریان امامت، در بدنه فرزندان اباعبدالله علیه السلام مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ نسل او ادامه پیدا کرده و فرزندان او مظهر تام تقوا شدند. از چشمه او جوشیدند و کلمه تقوی شدند! فرزندان حسین علیه السلام نشانه‌های هدایت و پرچم‌های سبیل‌الله‌اند. اگر نباشند، سبیل و صراط خدا مشخص نیست. پرچم‌های هدایت این‌ها هستند و به واسطه اعلام هدایت، صراط و سبیل، روشن است. ایشان دستگیره مستحکم‌اند و استقرار دنیا به واسطه وجود آن‌ها برقرار است.

این نوع از امام‌شناسی که در پیوند فوق آسمان با زمین شکل می‌گیرد، در زمانه‌ای است که انسان، گفتگوی با امام و خدا، رفتارشناسی و غایت‌شناسی امام، دشمن‌شناسی، زندگی حسینی، وفای به عهد و ... را دیده و تجربه کرده است.

۲-۴-۸. بخش دهم؛ رفتارشناسی مطلوب در همراهی با امام

پس از ذکر وفای به عهد، شهادت به نور امام حسین علیه السلام و به انتقال سلامت این نور به دنیا، همچنین شهادت به موقعیت‌های دنیایی و آخرتی امامان علیهم السلام، وقت آن است تا نسبت خود را با این‌گونه از شهادت در بخش پایانی روشن کنیم که چه هستیم، لذا وارد فضایی دیگر می‌شویم؛

«وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۱.

۱ - و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است و کارم پیرو کار شما است و یاری ام برایتان آماده است تا آن که خدا در ظهورتان اجازه دهد پس با شمایم نه با دشمنان شما، دروهای خدا بر شما و بر روان‌های شما و پیکرهایتان و حاضران و غایبان و آشکارتان و نهانتان، آمین ای پروردگار جهانیان.

ندا بر می‌آوریم که حسین جان! امروز مومن به شما هستم، باور به بازگشت دارم و آماده آن هستم: «وَأَشْهَدُ أَنْتَى بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ». مسیر شما را روشن‌کننده جریان دینم و عملم می‌دانم و البته قلبم تسلیم شما و عملم تابع شما است! تا زمانی که خداوند در آینده به شما اذن رجعت دهد و چنینم: «وَأَنْصُرَتَى لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ». ابتدا در دوران دنیا بر محور شما موالات می‌ورزم، و در بازگشت آینده که اذن آمدن داده شد، با شما هستم: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوَّكُمْ».



نمودار ۴-۶. تاثیر زائر اربعینی از نگاه به آینده، در زیارت اربعین

جالب آن‌که زیارت اربعینی، حداقل در چهار مرحله، به آینده گره خورده و توجهات، معطوف به ماجرای آتی حضرت می‌شود. دو مرحله از آن در بخش دهم بوده که سخن از ایستادگی بر مشی حسینی از دوران دنیا تا دوران رجعت مورد سخن قرار می‌گیرد.

۴-۲-۵. خلاصه و نتایج کلی روایت امام صادق علیه السلام

بیکره «زیارت اربعین» که به تعبیری یک «زیارت» و به تعبیر دیگر به عنوان یک «مجموعه درسی» از نیمه اول قرن دوم هجری توسط امام صادق علیه السلام پیش روی جامعه اسلامی قرار گرفته است، مبین نشانه‌های ایمانی بوده و انتظار بر آن است که در دوران غیبت کبری به عنوان «نقشه راه» آینده مورد مطالعه و تقید قرار گیرد.



بخش‌های مختلف زیارت اربعینیه، در یک فضای کلی به سه قسمت و سپس به ده بخش تقسیم شده و در مجموع، فرهنگی زیبا و دینی را برای ما شکل می‌دهد. در بخش اول این دعا، جبهه‌بندی ما مشخص می‌شود و نسبت ما با امام علیه السلام، در قالب سلام و سلیم و تسلیم تعریف می‌شود. امامی که از فضای بالا دست تا فضای پایین دست را در اختیار دارد. در فضای بالادست، صاحب قدرت، صاحب ولایت و حب الهی است و در فضای پایین دست، تسلیم خدا است؛ و در ماجرای حسینی، مظلوم است و اسیر در کربات و کشته اشک!

در بخش دوم زیارت اربعینیه، گفتگوی ما با امام در محضر خالق‌مان شکل می‌گیرد. به ما آموزش داده می‌شود که چگونه با خدا سخن بگوییم و از امام حرف بزنیم!

بخش سوم این زیارت، نقطه کانونی این پیکره می‌باشد. در این بخش، میزان بُرد، غایت و چگونگی حرکت به سوی هدف پیش چشم ما قرار می‌گیرد. تعبیر «فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحَ التُّصْحِ وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسْتَنْقَدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» اگرچه نسبت به بخش‌های قبلی و بعدی کوتاه‌تر است، اما خود حکایت از وجود بخشی مستقل دارد. بر این اساس، اگر مجموعه دستگاه‌های فرهنگی کشور ما فقط این فراز را از این پیکره و از منطبق با عبد الله علیه السلام اخذ نمایند و به آن مقید شوند، تحول رفتاری و فرهنگی عظیمی در سراسر جامعه شکل خواهد گرفت.

بخش چهارم زیارت اربعین، یک دشمن‌شناسی دقیق همراه با طرح وظیفه جهاد و لعن است. گواهی بر آن است که از دشمنان جریان حسینی گرفته تا افراد کنار رفته و یا حتی بی تفاوت از جریان حسینی، انسان‌های فرو دستی هستند که خود را از پر قدرت‌ترین ظرفیت جاذبه‌ای حق محروم



ساخته‌اند. همچنین نشان‌دهنده آن‌که اگر کسی با جریان حسینی و اربعینی گره نخورد، هیچ عامل دیگری در نجات او موثر نخواهد بود!

بخش پنجم ششم و هفتم، در محضر ولیّ خدا سخن به میان می‌آید؛ سلام مجدد، شهادت به جایگاه و شخصیت امام، همچنین لعن بر دشمنان در این فضا مورد سخن قرار می‌گیرد. بخش هشتم، عهدی است حسینی، همچنین مشخص شدن شاخصی در تعاملات فرهنگی و اجتماعی! با همان امامی که قرار است نجات بخش عباد باشد، پیمان می‌بندیم تا همراهی کسانی را بپذیریم که بر گرد امام جمع می‌شوند و دشمن کسانی باشیم که از امام تبری می‌جویند.

در بخش نهم از زیارت اربعین، امام‌شناسی مبتنی بر معرفت نورانی مطرح می‌شود. این نوع از نگاه، فراتر از دنیا و از جنس نور بوده، فرود نور تا اعماق و به سوی آینده را مورد توجه قرار داده و اعماق را ناتوان از دست‌اندازی به نور می‌داند.

در بخش دهم، نوع نگاه، اعتقاد و رفتار ما به آینده با جمله‌ای در موضوع ایمان به اهل بیت (علیهم‌السلام) و یقین به بازگشت ایشان در آینده ترسیم می‌شود.

و نهایتاً با دعا و طلب صلوات از جانب خدای متعال بر محمد و آل محمد پرونده این زیارت بسته می‌شود: «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ آرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

بر اساس آنچه گذشت، چند کلان دسته از موضوعات، با محوریت امام حسین (علیه‌السلام) برای زائر اربعینی پررنگ می‌گردد؛ جبهه‌بندی و تعیین نسبت با آن، معرفت نورانی به امام، آینده‌شناسی عالم در



۴ مرحله، کشف برنامه خداوند و نقشه راه، تحولات فرهنگی، تعاملات بین‌الادیانی، مولفه‌های زندگی
حسینی، رفتار مناسب در قبال امام، دشمن شناسی.